

بررسی تأثیر سبک زندگی بر شکاف نسلی در بین جوانان شهر کاشان

(صفحات ۳۵ تا ۶۱)

اسداله بابایی فرد^۱ * مریم روحی^۲

پذیرش: ۹۵/۰۹/۰۹

دریافت: ۹۵/۶/۲۰

چکیده

امروزه واژه‌ی سبک زندگی در جوامع بسیاری مطرح می‌شود. جهان امروز جهانی است پر از تنوع و ارتباطات گسترده که محیطی بسیار متفاوت برای جوانان ایجاد کرده است و باعث شده جوانان امروزه در مقایسه با نسل‌های پیشین سبک زندگی متفاوتی را برای خود برگزینند. مفهوم شکاف نسلی رابطه‌ی تنگاتنگی با سبک زندگی دارد. در این پژوهش رابطه‌ی بین این دو مفهوم با استفاده از مباحث نظری کارل مانهایم و پیر بوردیو بیان شده است. پرسش اصلی پژوهش ما این بوده است که تا چه حد تنوع سبک زندگی باعث بروز شکاف نسلی در میان شهروندان شهر کاشان می‌شود؟ این

Saeedbfi@yahoo.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان؛

Maryamroohi70@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)؛

پژوهش با روش پیمایشی و با حجم نمونه‌ی ۳۰۰ نفر انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین سن و مدگرایی با شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد؛ همچنین، بین ارتباطات خانوادگی، سنت‌گرایی و پایبندی دینی با شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد. تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که، از میان پنج متغیر مستقل، همه‌ی متغیرها توانسته‌اند وارد معادله‌ی رگرسیونی شوند. مدل مسیر نیز نشان می‌دهد که متغیر مدگرایی بر ارتباطات خانوادگی و پایبندی دینی دارای تأثیر معنادار و معکوس است. همچنین، متغیر سن دارای تأثیر معنادار و مثبت بر سنت‌گرایی است.

واژگان کلیدی: شکاف نسلی، سبک زندگی، ارتباطات خانوادگی، پایبندی دینی، مدگرایی.

مقدمه

جامعه‌ی ایران، مانند همه‌ی جوامع در حال دگرگونی دهه‌های اخیر، دچار دگرگونی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. شهرها به دلیل برخورداری از تسهیلات ارتباطی، دوره‌ی گذار از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی مدرن و متفاوت از نسل‌های گذشته را تجربه می‌کنند. قرن جدید به علت گسترش وسایل ارتباط جمعی و پیشرفت‌های تکنولوژیک، از نظر تغییرات اجتماعی و فرهنگی، قرن مهمی محسوب می‌شود. امروزه ما در عصر جهانی شدن^۱ و عصر ارتباطات^۲ به سر می‌بریم که در آن دیوارهای بین جوامع برداشته شده و دیگر فضای خصوصی در درون جوامع وجود ندارد. در این شرایط خانواده در برابر انواع تغییرات اجتماعی، فکری و فرهنگی قرار دارد. خانواده شاهد انواع الگوهای هویتی، ارزشی و شخصیتی است؛ لذا به تدریج شاهد تفاوت‌هایی در سبک زندگی فرزندان با نسل‌های قبلی‌شان هستیم. چنین پدیده‌ای از منظر جامعه‌شناسی به شکاف نسلی^۳ تعبیر می‌شود. در چنین فرایندی، یک نسل در فاصله‌ی زمانی کوتاهی با نسل قبلی خود اختلافات چشمگیری پیدا می‌کند و این اختلافات زبان مشترک بین اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فضای درک متقابل را کاهش می‌دهد و متقابلاً، فضای ارتباطی بیش‌تر در گروه‌های خارج از خانواده، به ویژه گروه دوستان، گسترش پیدا می‌کند.

شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی و فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو نسل هم‌زمان در یک جامعه را بیان می‌کند (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۸۶). نسل‌های مختلف جامعه هر یک شیوه‌های خاصی برای بهره‌جویی از امکانات پیرامون خود به کار می‌گیرند. این شیوه‌ها، سبک‌های زندگی^۴ خوانده می‌شوند. از نظر جرالده لسللی^۵، رفتارهایی که با قشربندی حیثیتی و اعتباری مرتبط‌اند، سبک زندگی نامیده می‌شوند. از نظر او سبک زندگی فقط آن چه یک فرد

- 1- Globalization
- 2- Age of Communication
- 3- The generation gap
- 4- Life Styles
- 5- G. R. Leslie

از آن موارد دارد نیست، بلکه چگونگی نمایش آن‌ها توسط فرد است (Leslie & 1994:386). مک کی نیز سبک زندگی را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه می‌داند که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود (Mckee, 1969:81). برخورد تضادگونه‌ی بین نسلی زمانی شکل می‌گیرد که هم‌جهتی ارزشی و رفتاری وجود نداشته باشد. در این‌که برخورد تضادگونه بین نسلی امری تاریخی است اشاره به نقل قول زیر لازم است: «اگر اجازه دهیم اعمال بی‌سابقه‌ی نسل‌های جوان‌تر ما ادامه یابد، تمدن ما محکوم به نابودی است». این گفتاری است که بر یک لوحه‌ی باستانی کشف شده در شهر اور^۱ نقش بسته است. این جملات بازتاب عقیده‌ای نسبت به جوانان است که در هر عصری شایع است. بنابراین عقیده، جوانان هر دوره نسبت به سایر گروه‌های سنی پایبندی و تعهد اندکی به نظم اجتماعی مستقر دارند و مظهر طغیان علیه هنجارهای حاکم به شمار می‌روند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۲:۳۱۲). با توجه به اهمیت نهاد خانواده در جامعه‌ی ایران در این مقاله تأثیر سبک زندگی بر شکاف نسلی در بین جوانان شهر کاشان، و در اصل، چگونگی ارتباط این دو متغیر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اساساً عدم شناخت الگوهای صحیح تربیتی، چه از سوی والدین و چه از سوی فرزندان، در جامعه‌ی ما سبب شده است که هر ساله عده‌ی زیادی از والدین و فرزندان به ناپهنجاری‌های اجتماعی و انتخاب‌های نابجا روی آورده و هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی را بر جامعه و خانواده‌های‌شان تحمیل کنند. استفاده از نتایج پژوهشی این‌گونه تحقیقات می‌تواند با دادن آگاهی به افراد، تا حدودی از میزان آسیب‌های احتمالی ناشی از این واقعیت اجتماعی (شکاف نسلی) بکاهد. هنگامی که فاصله و جدایی بین اعضای خانواده عمیق شود به تعارض بین نسل‌ها منجر می‌شود و تفاهم و یکپارچگی خانواده‌ها را در مجموع دچار مشکل می‌کند و نیز باعث رکود اجتماعی و فرهنگی شده و به تبع آن نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی را افزایش دهد. در این تحقیق نشان داده می‌شود که چگونه سبک زندگی‌های گوناگون باعث شکاف نسلی در جامعه

۱- از مراکز مهم تمدن سومری که به گفته‌ی تورات زادگاه ابراهیم نبی بوده و در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد شهر آبادی بوده است.

می‌گردند. در واقع، اگر به آگاهی درست و جامعی از مفهوم شکاف نسلی برسیم، بسیاری از مسائل و مشکلات قابل حل خواهد بود.

۱. مبانی نظری

۱-۱. شکاف نسلی

کارل مانهایم^۱ در شفاف‌سازی ایده‌ی نسل تاریخی، بسط نظری آن و تمایز آن از مفهوم نسل بیولوژیک، نقشی اساسی داشته و عنصر برجسته‌ی تفکر جامعه‌شناختی درباره‌ی مسأله‌ی نسل‌ها به شمار می‌رود. طبق نظر وی، هر نسل، مهر خاص حوادث اجتماعی-سیاسی دوره‌ی اصلی شکل‌گیری (جوانی) خود را بر پیشانی دارد. حوادثی که طی این دوره تجربه می‌شوند نفوذی قاطع و تعیین‌کننده در تمایز ایدئولوژیک و در تعیین ساختار ذهنی، فرهنگ و رفتار بعدی اعضای یک نسل خواهد داشت (شرمن و اسکات، به نقل از توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۹). مرکزی‌ترین عنصر بحث مانهایم واحد نسلی است که به معنای گروه سنی-زیستی در نظر گرفته شده است و دارای چندین ویژگی است: ۱. وجود محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی؛ این موقعیت تعیین‌کننده‌ی حوزه‌ی کسب تجربه‌ی ممکن با توجه به شرایط است؛ ۲. سرنوشت مشترک و علاقه‌هایی بر اساس طبقه‌ی اقتصادی-اجتماعی دارند؛ ۳. دارنده‌ی هویت واحد بر اساس تجربه‌ی مشترک هستند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۸۹). مانهایم افرادی را که در نسل‌ها بر اساس تجربه‌های مشترک دارای دیدگاه مشترک هستند از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز و از آنها به عنوان واحدهای نسلی یاد می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۸). او از برخورد تازه در اثر شکل‌گیری نیروی در گذر زمان به جوانی، که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. با وجود این که او این حرکت‌ها و برخوردها را، که به صورت موج نشان داده می‌شود، با نسل معین می‌کند، اما افرادی که در درون نسل‌ها موجودند و دارای دیدگاه مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند از افرادی که این وضعیت را ندارند متمایز کرده و از آنها به عنوان واحدهای نسلی یاد می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۰). مانهایم پیدایش نسل

1- Karl Manheim

اجتماعی را با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط می‌داند و معتقد است جایی که حوادث تازه، کمیاب و تغییر کند است، اساساً یک نسل مجزا ظاهر نمی‌شود، بلکه فقط هنگامی که چنین حوادثی زیاد و سریع رخ می‌دهند، به گونه‌ای که یک گروه نسلی بر حسب آگاهی تاریخی - اجتماعی خود متمایز می‌شوند، از یک نسل حقیقی می‌توان سخن گفت (مانهایم، ۱۳۸۰: ۴۷۷؛ اسکات و شرمن، به نقل از موسوی میر کلائی، ۱۳۹۱: ۵۸). نسل به عنوان یک واقعیت به بازتشیخ تجربیات افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند و کسانی که احساس می‌کنند با معاصران شان مرتبط هستند بستگی دارد، چرا که به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۰). بر اساس نظر مانهایم، تغییر اجتماعی رخ داده در بخش مهمی از نسل جوان تر موجب امتناع، مخالفت و تغییر میراث فرهنگی ایجاد شده از نسل‌های کهن تر و پذیرفته شده از سوی بسیاری از معاصران آن‌ها می‌شود (معیدف، ۱۳۸۳: ۵۹). به نظر مانهایم، نسل محل ظهور و محمل انتقال و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی و تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده ریشه دارد. کارکرد نسل نوظهور تاریخی، نوآوری ارزشی و فرهنگی و تولید سبک زندگی نو است (Rampel, 1965:55-56).

از نظر آنتونی گیدنز^۱، اختلاف بین نسل‌ها نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه‌ی مدرن است. نسل جوان امروز نسبت به نسل‌های پیشین به مسائل اخلاقی بسیار حساس است، اما آن‌ها این ارزش‌ها را به سنت ربط نمی‌دهند یا شکل‌های سنتی اقتدار را به مثابه‌ی تعیین‌کننده‌ی هنجارهای شیوه‌ی زندگی نمی‌پذیرند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۳ و ۲۷). اینگلهارت نیز در مورد تفاوت نسلی چهار فرضیه‌ی اساسی دارد که درباره‌ی امکان یا عدم امکان شکاف نسلی سخن گفته است: ۱. فرضیه‌ی چرخه‌ی زندگی یا سالخوردگی؛ ۲. فرضیه‌ی دوره‌ای؛ ۳. فرضیه‌ی گروه سنی؛ ۴. فرضیه‌ی ترکیبی. نظریه‌ی اینگلهارت در مورد دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابه‌جایی بلندمدت ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۵).

1- Anthony Giddens

۱-۲. سبک زندگی

به گفته‌ی پیر بوردیو^۱، سبک زندگی فعالیت‌های نظام‌مندی است که از ذوق و سلیقه‌ی فرد نشأت می‌گیرد، که بیش‌تر جنبه‌ی عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند (Bourdieu, 1984: 76-173). سبک‌های زندگی متفاوت بین افراد به بازتولید ذائقه‌ها و به طریق اولی منش متمایز می‌انجامد. زیرا سبک زندگی همان فضایی است که کنشگران در ذیل آن می‌آموزند که چگونه زندگی کنند، چه چیز را ارجح بدانند و در نهایت چه چیز را زیبا بشمارند. مطالعات میدانی تفاوت‌های عظیم ذائقه را نشان می‌دهند و این تفاوت‌ها با نگرش فرازمانی کانت توضیح‌پذیر نیست. رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به لحاظ موقعیت‌های متفاوت‌شان از لحاظ سرمایه^۲ و قرار گرفتن در میدان‌های اجتماعی گوناگون^۳ میان آن‌ها ظاهر می‌شود (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۱). بوردیو معتقد است که همه‌ی آن‌چه سلیقه‌ی فرهنگی، انتخاب هنری و غیره نامیده می‌شود، و کاملاً طبیعی و ناشی از قریحه‌های ذاتی افراد شمرده می‌شود، رابطه‌ی مستقیم و قابل اثباتی با موقعیت اجتماعی افراد دارد (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۹). بدین‌سان، از دیدگاه بوردیو، ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متفاوتی را ایجاد می‌کنند؛ سبک زندگی محصول نظام‌مند منش‌هایی است که از خلال رابطه‌ی دو جانبه با رویه‌های منش درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامع مورد ارزیابی قرار گیرد.

از نظر بوردیو، تمایزاتی که سبک زندگی فراهم می‌کند در ذوق و سلیقه‌ی افراد نهفته است. ذوق و سلیقه در وهله‌ی اول و قبل از هر چیز، بی‌میلی و اکراه نسبت به سلاقی و علایق دیگران است (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۱۸). وجود تفاوت‌ها ناشی از مبنایی است که سلیقه را تشکیل می‌دهد. او این مبنا را فضاها‌ی اجتماعی و موقعیت افراد در آن‌ها می‌داند که سلیقه را به امری کاملاً اکتسابی بدل می‌کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ۷۱). فضای اجتماعی به این ترتیب ساخته می‌شود که عاملان و گروه‌های

1- Pierre Bourdieu

2- Capital

3- Social Fields

اجتماعی بر اساس حجم و میزان سرمایه‌ی اقتصادی^۱ و سرمایه‌ی فرهنگی^۲ با برخی افراد اشتراکاتی می‌یابند و با برخی دیگر فاصله پیدا می‌کنند (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۳). مردمی که در فضای اجتماعی مشابهی قرار دارند، ذائقه‌های مشابه و سبک‌های زندگی مشابه دارند (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۵). در واقع، سبک زندگی متأثر از ذائقه و ذائقه پیامد منش، نظام و مجموعه‌ای از خوی و خصلت‌های (تمایلات با دوام) ماندگار و قابل جابجایی است (خادمیان، ۱۳۸۸: ۹۳). عناصر رهیافت بورديو در نظریه‌ی عمل را می‌توان بدین ترتیب خلاصه کرد: ۱. تأکید بر الگوهای آماری واقعیت به منزله‌ی معیار؛ ۲. تأکید بر صورت‌بندی آنچه مردم می‌گویند؛ ۳. تأکید بر ذات استراتژیک عمل در برابر رفتار تحت حاکمیت قاعده؛ ۴. تأکید بر ضرورت نوع تحلیل در زمان و قراردادن حیات اجتماعی در زمان و مکان (Jenkins, 2002:68). در نظریه‌ی بورديو، کنش پیامد رابطه‌ی بین منش و میدان است و قابل تقلیل به هیچ یک از آن‌ها نیست (Bourdieu, 2002:19). در اصل، مفاهیم منش و میدان به موازات ذات رابطه‌ای واقعیت، ماهیتاً رابطه‌محور هستند. از این رو، خودبسنده نبوده و در رابطه با هم تعریف می‌شوند، چنان‌چه تعریف یکی مستلزم تعریف دیگری است و هر دو با هم تشکیل یک چارچوب نظری را می‌دهند (Swartz, 1997:709). تبیین بورديو از سبک زندگی مناسب‌ترین تحلیل سبک زندگی است. او با برقراری رابطه‌ی دیالکتیک میان عاملیت^۳ و ساختار^۴، ساختار نظری منسجمی در حوزه‌ی سبک زندگی ارائه داده است.

اساساً متغیرهایی همچون سن و دوره‌ی عمر، نقش تعیین کننده‌ای در سبک زندگی افراد دارند. هر چه سن افراد بالاتر می‌رود تجربه‌ی سال‌های گذشته به منبعی برای شکل دادن به سبک زندگی و الگوی مصرف و فعالیت فرد تبدیل می‌شود. بر این اساس، شناخت الزامات دوره‌های سنی گوناگون می‌تواند تا حدود زیادی سبک زندگی افراد را در مقاطع مختلف زندگی شکل دهد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۳۳). از نظر مانهایم نسل محل ظهور و محمل انتقال و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی - تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد

1- Economic Capital

2- Cultural Capital

3- Agency

4- Structure

کرده ریشه دارد. این جهت‌گیری‌ها به صورت اهداف، نیات و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به صورت تکامل و ظهور یک سبک نسلی ظاهر می‌شود. این جمله بیانگر ارتباط بین دو واقعیت اجتماعی شکاف نسلی و سبک زندگی است. وی در یکی از مفروضات نظریه‌ی نسلی تاریخی خود از تجربه‌ی حوادث به طور مشترک توسط گروهی تقریباً هم سن و سال، یعنی تجارب اجتماعی مشترک نسل، بحث کرده است. بوردیو نیز بیان می‌کند: همه‌ی آنچه سلیقه‌ی فرهنگی، انتخاب‌های هنری و غیره نامیده می‌شود رابطه‌ی مستقیمی با موقعیت افراد دارد. وی نیز به طور مشابهی به تجربه‌ی تاریخی و زیستی افراد، که مانهایم روی آن تأکید دارد، توجه می‌کند. بوردیو اشاره می‌کند که ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی گوناگون، سبک‌های زندگی متفاوتی را ایجاد می‌کنند. در این جا بوردیو به نقش ذائقه‌ها اشاره می‌کند. در واقع، سلیقه‌ی افراد در فضای اجتماعی که در آن قرار دارند شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد. می‌توان در سطح گروهی این گونه مثال زد که: افرادی که در یک گروه نسلی قرار دارند، ذائقه‌شان متناسب با همان گروه شکل می‌گیرد. به طور کلی، این چنین برداشت می‌شود که، افرادی که ذائقه‌ی مشترک دارند، حوادث مشترکی را تجربه کرده‌اند و معمولاً کسانی که ذائقه‌ی مشترک دارند در یک گروه سنی قرار دارند و این ذائقه‌ی مشترک در فضای اجتماعی مشترک، که همانا گروه نسلی است، شکل می‌گیرد. از طریق این تلفیق نظری میان نظریات بوردیو و مانهایم در مورد سبک زندگی و شکاف نسلی، می‌توان رابطه‌ی بین این دو متغیر را مورد بررسی قرار داد.

۲. پیشینه‌ی تجربی پژوهش

در مورد رابطه‌ی بین سبک زندگی و شکاف نسلی در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در سطح جهان و ایران انجام شده است که در این جا به نتایج برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. گُلند^۱ بر اساس نتایج پژوهشی در مطالعه‌ی سه نسل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، پدرها و مادرها و فرزندان‌شان نتیجه گرفته است که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و والدینی که سنین آن‌ها بین ۶۵ تا ۹۰ سال و ۴۰ تا ۶۰ سال است،

1- Coland

اشتراک فرهنگی بیش تری باهم نسبت به هر کدام از آنها با نسل جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال دارند (گُلند، ۱۹۹۴). کوک و بنگستون نیز در مطالعات شان در مورد شکاف نسلی می گویند: فرزندان گرایش های والدین شان را بیش تر از آنچه که هستند، محافظه کارانه می دانند (یوسفی، ۱۳۸۲: ۳۲). جاکوبسون^۱ و همکاران وی در تحقیق خود به این نتیجه می رسند که با افزایش سطح تحصیلات فرزندان، شکاف بین نسلی افزایش می یابد. همچنین در تحقیق دیگری جاکوبسون، بری و السون در یافته های تحقیقی خود بین فاصله ی پایگاه اقتصادی - اجتماعی با عدم توافق بین والدین و فرزندان ارتباط مشاهده کرده اند. آنها ادعا می کنند که شکاف نسلی موجود در خانواده های با خاستگاه طبقه ی پایین بیش تر است. چنانچه تحصیلات فرزندان و پدران را مد نظر قرار دهیم، این وضعیت پیچیده تر می شود.

ویلیام استراوس و نیل هاو^۲ در مطالعاتی متعدد سنگ بنای نظریه ای را نهاده اند که می توان آن را رویکرد نسلی به تاریخ نامید. مهم ترین نوشته ای که در آن این دو محقق آمریکایی چارچوب کلی نظریه ی خود را توضیح داده اند، کتاب نسل ها: تاریخ فردای آمریکا، از ۱۵۸۴ تا ۲۰۶۹، است. این پژوهشگران ویژگی های خاص هر نسل را بیان کرده و افراد شاخص هر نسل را مشخص می کنند (کاظمی پور، ۱۳۸۷: ۱۷). بر اساس برخی مطالعات مربوط به فراغت، سلیقه ها، طرز تلقی های سیاسی و تعلقات افراد با سن تغییر می کند و فرهنگ جوانی بسیار معطوف به فرهنگ توده ای است که بیش تر بر مبتنی بر رسانه های تصویری و الکترونیکی است. همچنین، جوانان بیش تر تحت تأثیر گروه همسالان و رسانه های جمعی هستند، تا خانواده و ارزش های جمعی و محلی (Rapoport & etc, 1975; Robinson & Godbey, 1997).

تحقیقی تحت عنوان بررسی مسأله ی شکاف نسلی در خانواده های ایرانی، توسط قریشی محمدی در گرگان انجام شده است. حجم نمونه ی پژوهش ۳۰۰ پدر و مادر و فرزند دختر و پسر بوده است. یافته های این پژوهش نشان می دهند که در زمینه ی ارزش های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، شناخت والدین و فرزندان با یکدیگر متفاوت است (قریشی محمدی، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۴۱). نتایج برخی پژوهش های

1- Jacobsen

2- Strauss and Howe

تجربی انجام شده در سال‌های اخیر نشان دهنده‌ی وجود تعارض ارزشی در ایران است. مثلاً، در پژوهشی که در سال ۱۳۷۴ صورت گرفته وجود تعارض ارزش‌ها میان نخبگان (دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر) و توده (دارای تحصیلات ابتدایی و کم‌تر) تأیید شده است. میان نخبگان جامعه و توده‌ی مردم در زمینه‌ی ارزش‌هایی مانند سن مناسب ازدواج برای دختر و پسر، ازدواج با خویشاوندان، بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی، گذران اوقات فراغت، فعالیت‌ها و باورهای مذهبی، عقاید مرسوم، مانند اعتقاد به قضا و قدر و، شکاف‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۶۱-۸۸). به نظر من، ظهور سبک‌های پوشش و آرایش عجیب و غریب و ناسازگار با هویت و فرهنگ ایرانی - اسلامی، و همچنین، مصرف‌نمایشی در ایران از نمودهای بارز بحران هویتی و فرهنگی در ایران هستند (بابایی فرد، ۱۳۸۹: ۲۱). وبلن می‌گوید که «مصرف‌چشمگیر، تن‌آسانی چشمگیر و نمایش چشمگیر نمادهای بلندپایگی، وسایلی هستند که انسان‌ها با آن‌ها می‌کوشند تا در چشم همسایگان‌شان برتر جلوه کنند، و، در ضمن، برای خودشان نیز ارزش بیش‌تری قائل شوند» (کوزر، ۱۳۷۹: ۳۶۳-۳۶۱). به نظر من مصرف‌نمایشی، به عنوان یکی از زمینه‌های مهم تفاوت‌ها و تعارض‌های نسلی، و همچنین، یکی از مؤلفه‌های عدم توسعه‌ی فرهنگی در ایران است. پژوهشی تحت عنوان شکاف نسلی یا گسست فرهنگی توسط سعید معیدفر انجام شده است. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، داده‌های دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ بررسی شده است. بر اساس یافته‌های این دو پیمایش، می‌توان گفت در هر سه حوزه‌ی ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، نه تنها تفاوت زیادی در میان جوانان و بزرگسالان دیده می‌شود، بلکه این تفاوت در طی زمان بیش‌تر نیز شده است (معیدفر، ۱۳۸۳: ۸۰-۵۵). تحقیق دیگری توسط تقی آزاد ارمکی تحت عنوان فرایند تغییر نسلی؛ بررسی فراتحلیلی در ایران صورت گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که وجود ظرفیت‌های متعدد نسلی امکان تعامل بین نسلی را فراهم می‌کند، که نتیجه‌ی آن بازتولید فرهنگی - اجتماعی است، نه انقطاع فرهنگی - اجتماعی. از طرف دیگر، وجود محدودیت‌های نسلی، که ریشه در تجربه و انتظارات و آگاهی نسلی دارد، نیاز به تعامل بین نسلی را فراهم می‌سازد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۶۸-۴۱).

تحقیقی توسط محمد توکل و مریم قاضی نژاد تحت عنوان شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو انجام شده است. بر اساس داعیه‌ی این پژوهش، رویکردهای مذکور مکمل یکدیگرند و تعارضات نسلی در ابعاد مختلف آن، با تکیه بر مفاهیم مطرح در هر دو رویکرد دقیق‌تر تبیین خواهند شد، اما از دیدگاه راهکارهای اصلاح‌گرایانه و سیاست‌گذاری اجتماعی برای کاهش تنش بین نسل‌ها، افزایش عدالت و همبستگی بین نسلی و تعامل طبیعی و موزون میان نسل‌های مختلف، اتخاذ هر یک از رویکردهای یاد شده از پیامدهای ویژه‌ی خود برخوردار بوده و در عمل، کارآیی یکسان ندارند (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۲۴-۹۵). پژوهش دیگری توسط نعمت‌اله فاضلی تحت عنوان جوانان و انقلاب در سبک زندگی انجام شده است. موضوع اصلی این پژوهش، این بوده است که چگونه از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، زندگی مردم بریتانیا تحت تأثیر ورود کالاهای اقتصادی و صنعتی کاملاً دگرگون شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که، بسیاری از آنچه که در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ در بریتانیا رخ داد، در تمام اروپا و آمریکا نیز اتفاق افتاده بود و آنچه این جوامع تجربه کردند، با کمی تأخیر در جوامع دیگر نیز نفوذ کرد. در ضمن کشورهای غیرغربی تنها پذیرنده نبوده‌اند و به شکل‌های گوناگون، رنگ بومی خود را بر فرایندهای جدید سبک زندگی زده‌اند و بخشی از سبک‌های بومی خود را نیز حفظ کرده‌اند (فاضلی، ۱۳۸۵: ۳۱-۲۲).

با توجه به تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی شکاف نسلی می‌توان این چنین گفت که همه‌ی این تحقیقات در مورد شکاف ارزشی بین نسل‌های مختلف اتفاق نظر داشته‌اند. برای نمونه، در تحقیق جامعی که ویلیام استراوس و نیل هاو انجام داده‌اند به خوبی از ویژگی‌های نسل‌ها و دوره‌هایی زمانی‌ای که در آن زیسته‌اند می‌توان به رابطه‌ی شکاف نسلی ایجاد شده در تفاوت ویژگی‌های نسلی یا همان تفاوت در سبک زندگی رسید. آنچه در این زمینه اهمیت دارد این است که هر نسل یک فاصله‌ی زمانی دارد که باعث می‌شود ارزش‌ها و هنجارهای خاصی در هر دوره رواج داشته باشد. برخی از این پژوهش‌ها هم به مقایسه‌ی حوزه‌ی ارزشی در والدین و فرزندان پرداخته‌اند؛ ولی هیچ کدام از آن‌ها به طور مستقل به ارتباط شکاف نسلی و سبک زندگی نپرداخته‌اند. در این پژوهش سعی بر این است که ارتباط بین برخی مؤلفه‌های

مهم سبک زندگی، همچون ارتباطات خانوادگی، سنت‌گرایی، پابندی دینی و مدگرایی با شکاف نسلی بررسی شود.

۳. فرضیات پژوهش

در این پژوهش فرض ما بر این است که بین متغیرهای سن، مدگرایی، استفاده از رسانه‌های ارتباطی، سرمایه‌ی فرهنگی، گذران اوقات فراغت، ارتباطات خانوادگی، سنت‌گرایی و پای‌بندی دینی (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) و شکاف نسلی (به عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش) رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است و جامعه‌ی آماری این پژوهش عبارت است از جوانان پسر و دختر شهر کاشان. حجم نمونه‌ی پژوهش با استفاده از فرمول کوکران، و تعداد ۳۰۰ نفر، تعیین شده است. داده‌های این پژوهش در شهر یور ۱۳۹۳ گردآوری شده است و شیوه‌ی تعیین نمونه نیز شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. اطلاعات گردآوری شده‌ی پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این پژوهش برای ساختن شاخص‌های پژوهش علاوه بر بهره‌گیری از برخی پژوهش‌های پیشین، از شاخص‌هایی ابداعی جهت انجام پژوهش استفاده شده است. گویه‌های انتخابی برای ساختن شاخص‌های پژوهش پس از انجام پیش‌آزمون (با نمونه‌ی ۵۰ نفر)، اجرای آزمون آلفای کرونباخ و اطمینان یافتن از کارایی آن‌ها در سنجش متغیرها، نهایتاً به عنوان ابزارهای سنجش متغیرهای پژوهش به کار گرفته شدند.

جدول ۱: شاخص‌های اصلی پژوهش و گویه‌های شاخص‌ها

شاخص‌های پژوهش	گویه‌های شاخص‌ها
مدگرایی (میزان ألفا: ۰/۸۵۷)	۱. هنگام بیرون رفتن از خانه سعی می‌کنم از لباس‌های مد روز استفاده کنم. ۲. طرح‌های سنتی ایرانی را برای پوشش ترجیح می‌دهم. ۳. استفاده نکردن از وسایل مد شده را نوعی عقب ماندن از دیگران می‌دانم. ۴. برای این که بیش‌تر مورد توجه دیگران باشم از وسایل به‌روز استفاده می‌کنم. ۵. من نظرات دوستانی را قبول دارم که بیش‌تر پیرو مد هستند. ۶. من به طور مرتب برنامه‌های مربوط به مد را در تلویزیون ماهواره‌ای دنبال می‌کنم. ۷. من برنامه‌های مربوط به مد را در اینترنت دنبال می‌کنم.
استفاده از رسانه‌ها (میزان ألفا: ۰/۸۴۹)	۱. دیدن برنامه‌های تلویزیون ایران. ۲. دیدن برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای. ۳. گوش دادن به برنامه‌های رادیویی. ۴. تماشای فیلم‌های ویدئویی خانگی، سی. دی، دی. وی، دی. و غیره. ۵. گوش دادن به موسیقی. ۶. رفتن به سینما یا تئاتر. ۷. مطالعه‌ی کتاب. ۸. مطالعه‌ی روزنامه. ۹. مطالعه‌ی مجلات.
سرمایه‌ی فرهنگی (میزان ألفا: ۰/۸۰۷)	۱. چه میزان کتاب در کتابخانه‌ی منزل خود دارید؟ ۲. میزان آشنایی شما با نرم‌افزارهای کامپیوتری چقدر است؟ ۳. چقدر از برنامه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی رادیو و تلویزیون ایران استفاده می‌کنید؟ ۴. چقدر از برنامه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی اینترنت و ماهواره استفاده می‌کنید؟ ۵. اطلاعات ادبی خود را (شامل: شعر، رمان، قصه، تاریخ ادبیات و غیره) در چه سطحی ارزیابی می‌کنید؟ ۶. اطلاعات تاریخی خود را (شامل: تاریخ ایران و جهان) در چه سطحی ارزیابی می‌کنید؟
گذران اوقات فراغت (میزان ألفا: ۰/۷۵۷)	۱. ورزش کردن. ۲. همنشینی و ارتباط با دوستان. ۳. مطالعه‌ی آزاد (شامل مطالعه‌ی کتاب، روزنامه و مجله). ۴. ملاقات با افراد فامیل و خویشاوندان. ۵. رفتن به مسافرت. ۶. رفتن به گردش و تفریح در اماکن تفریحی داخل شهر (مثل پارک یا اماکن دیدنی). ۷. بازدید از فروشگاه‌ها یا قدم زدن در خیابان. ۸. بازدید از نمایشگاه، موزه یا جشنواره. ۹. بازی‌های تفریحی (مانند فوتبال دستی، شطرنج، بازی کامپیوتری). ۱۰. کارهای دستی یا هنری.
ارتباطات خانوادگی (میزان ألفا: ۰/۸۴۹)	۱. در خانواده‌ی ما والدینم با هم صمیمی هستند. ۲. در خانواده‌ی ما بین فرزندان خانواده و والدین صمیمیت وجود دارد. ۳. در خانواده‌ی ما فرزندان با هم صمیمی هستند. ۴. اکثر اعضای خانواده‌ی ما بر سر هر مسأله‌ای مشاجره دارند. ۵. در خانواده‌ی ما به اعضای آن توجه کافی می‌شود. ۶. در خانواده‌ی ما، در صورت مشاجره، یکی از اعضای خانواده طرد می‌شود. ۷. در خانواده‌ی ما، در صورت بروز مشکل، با والدینم مشورت می‌کنیم.
سنت‌گرایی (میزان ألفا: ۰/۷۶۸)	۱. به جای درگیر شدن با چیزهای نو که نمی‌شناسیم، بهتر است با همان چیزهای موجود بسازیم. ۲. باید به کار نیاکان احترام بگذاریم و نباید تصور کنیم که شناخت ما بهتر از آن‌هاست. ۳. تا عمر زیادی از آدم سپری نشود آدم عاقل نمی‌شود. ۴. چیزهایی که در مدت طولانی درست می‌شود معمولاً از عقلانیت بیش‌تری برخوردار است. ۵. معمولاً ایجاد تغییر اوضاع را وخیم‌تر می‌کند. ۶. چیزهای جدید به جای این که به حل مشکلات کمک کنند بیش‌تر زحمت آدم را زیاد می‌کند. ۷. کارهایی را دوست دارم که خوب بودن آن‌ها در جامعه و زندگی مردم ثابت شده باشد.

شاخص‌های پژوهش	گویه‌های شاخص‌ها
پای‌بندی دینی (میزان ألفا: ۰/۹۳۴)	<p>۱. به طور مرتب قرآن می‌خوانم. ۲. معتقدم اعمال خوب و بد انسان در روز جزا محاسبه می‌شود. ۳. به طور مرتب نمازهایم را می‌خوانم. ۴. در صورت استطاعت، به حج می‌روم. ۵. در ماه رمضان، اگر عذر شرعی نداشته باشم، روزه‌هایم را می‌گیرم. ۶. در مراسم روضه یا عزاداری ائمه (ع)، مثل تاسوعا و عاشورا، شرکت می‌کنم. ۷. در صورت فراهم شدن شرایط، به زیارتگاه‌ها می‌روم. ۸. به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کنم. ۹. خمس و زکات دارایی خود را (در صورت احراز شرایط مالی و استطاعت) پرداخت می‌کنم. ۱۰. کتاب‌های دینی را برای شناخت شیوه‌ی زندگی پیامبر اسلام (ص) و امامان (ع) و یا شناخت احکام دینی مطالعه می‌کنم.</p>
شکاف نسلی (میزان ألفا: ۰/۹۲۷)	<p>۱. من در مورد شیوه‌ی ازدواج و همسرگزینی با دیدگاه پدر و مادرم کاملاً اختلاف دارم. ۲. نوع نگاه من به دینداری کاملاً با نوع نگاه پدر و مادرم اختلاف دارد. ۳. نوع برخورد من با مناسک دینی مثل، نماز و روزه، کاملاً با نوع نگاه پدر و مادرم اختلاف دارد. ۴. می‌توان بدون تکیه بر سنت‌هایی که پدر و مادران پایبندند زندگی کرد. ۵. نوع برخورد من با پوشش و مد لباس کاملاً با نوع نگاه پدر و مادرم اختلاف دارد. ۶. من از نظر گرایش‌های سیاسی با پدر و مادرم اختلاف زیادی دارم. ۷. من از نظر انتخاب نوع شغل با پدر و مادرم کاملاً اختلاف نظر دارم. ۸. من از نظر انتخاب رشته‌ی تحصیلی با پدر و مادرم کاملاً اختلاف نظر دارم. ۹. من نسبت به والدینم تمایل و گرایش بیش‌تری به فرهنگ‌های غیرایرانی دارم. ۱۰. من نسبت به والدینم تمایل و گرایش بیش‌تری به استفاده از رسانه‌های ارتباطی جهانی، مثل تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت، دارم. ۱۱. نوع نگاه و برخورد من به مسأله‌ی اوقات فراغت با نوع نگاه و برخورد والدینم کاملاً اختلاف دارد. ۱۲. نوع نگاه و برخورد من با مسأله‌ی ارتباط با جنس مخالف با نوع نگاه و برخورد والدینم کاملاً اختلاف دارد.</p>

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. مشخصات عمومی پاسخگویان

به لحاظ قومی اکثریت پاسخگویان این پژوهش فارس بوده‌اند (۲۹۲ نفر)، ۶ نفر از آن‌ها ترک بوده و ۲ نفر نیز قومیت خود را مشخص نکرده‌اند. از نظر مذهبی، ۲۹۸ نفر از پاسخگویان شیعه بوده‌اند. در این زمینه ۲ نفر مذهب خود را مشخص نکرده‌اند. از نظر وضعیت تأهل، ۶۸/۷ درصد مجرد و ۳۱/۳ درصد متأهل بوده‌اند. به لحاظ سنی، ۳۹/۷ درصد از آن‌ها بین ۲۱ تا ۲۵ سال، ۳۳ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال و ۲۲ درصد بین ۱۶ تا ۲۰ سال سن داشته‌اند. به لحاظ جنسیت، ۱۵۰ نفر از پاسخگویان زن و ۱۵۰ نفر نیز مرد بوده‌اند. بیش‌ترین تحصیلات پاسخگویان کارشناسی با تعداد ۹۷ نفر و کم‌ترین تحصیلات دکتری با تعداد ۸ نفر بوده است. از نظر تحصیلات والدین، میانگین

تحصیلات پدران پاسخگویان بیش تر از میانگین تحصیلات مادران آنها بوده است. اکثر پاسخگویان مرد بیکار بوده‌اند؛ ۲۹/۷ درصد از آنها دارای مشاغل آزاد، ۵ درصد کارگر، ۳/۷ درصد مهندس، ۲ درصد استاد دانشگاه، ۱/۳ درصد فرهنگی، ۰/۷ درصد نظامی و ۰/۳ درصد پزشک بوده‌اند. در این زمینه ۵۳/۷ درصد پاسخ نداده‌اند. اکثر پاسخگویان زن بیکار هستند، ۳۱/۳ درصد دارای مشاغل آزاد، ۱۴ درصد کارمند، ۲ درصد خانه‌دار، ۱ درصد فرهنگی، ۰/۷ درصد مهندس و ۰/۳ درصد نیز پزشک بوده‌اند. در این زمینه ۵۹/۳ درصد پاسخ نداده‌اند. اکثر پدران پاسخگویان بازنشسته بوده‌اند؛ در این زمینه، ۷۶ درصد دارای مشاغل آزاد، ۶/۷ درصد کارگر، ۵/۷ درصد کارمند، ۳/۷ درصد مهندس و ۰/۳ درصد نیز بیکار بوده‌اند. در این زمینه ۱/۷ درصد پاسخ نداده‌اند. اکثر مادران پاسخگویان خانه‌دار هستند. از نظر شغلی، ۱۵/۷ درصد دارای مشاغل آزاد، ۳/۷ درصد فرهنگی، ۲/۳ درصد بازنشسته، ۱/۳ درصد استاد دانشگاه و ۰/۳ درصد پزشک بوده‌اند. در این زمینه ۰/۲ درصد وضعیت شغلی مادر خود را مشخص نکرده‌اند. بیش تر پاسخگویان (۳۳ درصد) در رشته‌ی علوم انسانی، ۲۱ درصد در رشته‌ی فنی و مهندسی و ۱ درصد در رشته‌ی کشاورزی به تحصیل اشتغال داشته یا فارغ‌التحصیل شده‌اند. از نظر استفاده از اینترنت، بخش مهمی از پاسخگویان (۲۹/۷ درصد) بین ۵ تا ۱۵ ساعت، ۲۲ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ ساعت، ۲۳ درصد بالاتر از ۳۵ ساعت، ۷/۷ درصد بین ۲۵ تا ۳۵ ساعت و ۶/۳ درصد کم تر از ۵ ساعت از اینترنت استفاده می‌کنند. ۱۱/۳ درصد از آنها در این زمینه پاسخ نداده‌اند. از نظر استفاده از تلویزیون ماهواره‌ای، بیش تر پاسخگویان، یعنی ۲۱/۳ درصد، میزان استفاده‌ی خود را بین ۵ تا ۱۰ ساعت مشخص کرده‌اند. در این زمینه ۱۶ درصد کم تر از ۵ ساعت، ۱۲/۳ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ ساعت و ۲/۷ درصد بالاتر از ۳۵ ساعت از تلویزیون ماهواره‌ای استفاده می‌کنند. ۴۲/۷ درصد نیز در این زمینه پاسخ نداده‌اند.

۵-۲. توصیف متغیرهای اصلی پژوهش: جداول یک بعدی و دوبعدی

جدول ۲: توصیف متغیرهای اصلی پژوهش: جداول یک بعدی

جمع	طبقات			متغیرها	
	بالا	متوسط	پایین		
۳۰۰	۶۰	۱۱۱	۱۲۹	فراوانی	سن
%۱۰۰	%۲۰	%۳۷	%۴۳	درصد	
۳۰۰	۳۰	۱۳۷	۱۳۳	فراوانی	مدگرایی
%۱۰۰	%۱۰	%۴۵/۷	%۴۴/۳	درصد	
۲۹۸	۱۴	۱۷۱	۱۱۳	فراوانی	استفاده از رسانه‌های ارتباطی
%۹۹/۳	%۴/۷	%۵۷	%۳۷/۷	درصد	
۳۰۰	۲۳	۱۸۵	۹۲	فراوانی	سرمایه‌ی فرهنگی
%۱۰۰	%۷/۷	%۶۱/۷	%۳۰/۷	درصد	
۲۹۸	۳۱	۱۸۳	۸۴	فراوانی	گذران اوقات فراغت
%۹۹/۳	%۱۰/۳	%۶۱	%۲۸	درصد	
۳۰۰	۴۵	۱۵۰	۱۰۵	فراوانی	ارتباطات خانوادگی
%۱۰۰	۱۵	%۵۰	%۳۵	درصد	
۳۰۰	۷۵	۱۷۸	۴۶	فراوانی	سنت گرایی
%۱۰۰	%۲۵	%۵۹/۳	%۱۵/۳	درصد	
۳۰۰	۱۰۱	۱۳۱	۶۸	فراوانی	پایبندی دینی
%۱۰۰	%۳۳/۷	%۴۳/۷	%۲۲/۷	درصد	
۳۰۰	۱۱۱	۱۴۶	۴۳	فراوانی	شکاف نسلی
%۱۰۰	%۳۷	%۴۸/۷	%۱۴/۳	درصد	

از نظر سنی، ۴۳ درصد از پاسخگویان در سن پایین (۲۲-۱۶ سال)، ۳۷ درصد آن‌ها در سن متوسط (۲۸-۲۳ سال) و ۲۰ درصد آن‌ها در سن بالا (۳۵-۲۹ سال) قرار دارند. از نظر مدگرایی، ۴۴/۳ درصد از پاسخگویان در سطح پایین، ۴۵/۷ درصد در سطح متوسط و ۱۰ درصد در سطح بالا قرار دارند. در زمینه‌ی میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی، به ترتیب، ۳۷/۷ درصد، ۵۷ درصد، و ۴/۷ درصد از پاسخگویان در حد پایین، متوسط و بالا قرار دارند. از نظر سرمایه‌ی فرهنگی، به ترتیب، ۳۰/۷ درصد، ۶۱/۷ درصد، و ۷/۷ درصد از پاسخگویان در حد پایین، متوسط و بالا دارای سرمایه‌ی فرهنگی هستند. از نظر میزان ارتباطات خانوادگی، ۳۵ درصد از پاسخگویان رادارای

ارتباطات کم، ۵۰ درصد دارای ارتباطات متوسط و ۱۵ درصد دارای ارتباطات بالا هستند. از نظر سنت گرا بودن، به ترتیب ۱۵/۳ درصد، ۵۹/۳ درصد و ۲۵ درصد از پاسخگویان در حد پایین، متوسط و بالا سنت گرا هستند. از نظر پایبندی دینی نیز، به ترتیب، ۲۲/۷ درصد، ۴۳/۷ و ۳۳/۷ درصد از پاسخگویان در حد پایین، متوسط و بالا پایبند به دین هستند. از نظر شکاف نسلی بیش تر پاسخگویان (۴۸/۷ درصد) در حد متوسط، ۳۷ درصد در حد بالا و ۱۴/۳ درصد هم در حد پایین شکاف نسلی دارند.

جدول ۳: توصیف متغیرهای اصلی پژوهش: جداول دو بعدی

سطح معناداری	میزان Sumer's d	شکاف نسلی			متغیرها	
		بالا	متوسط	پایین		
۰/۰۰۰	-۰/۲۷۲	۳۱	۶۶	۳۲	پایین	سن
		۵۰	۵۱	۱۰	متوسط	
		۳۰	۲۷	۱	بالا	
۰/۰۰۰	-۰/۴۸۷	۱۵	۸۰	۳۸	کم	مدگرایی
		۷۵	۵۵	۵	متوسط	
		۲۱	۹	۰	زیاد	
۰/۱۵۴	-۰/۰۷۵	۳۶	۶۳	۱۴	کم	استفاده از رسانه‌های ارتباطی
		۶۶	۷۶	۲۹	متوسط	
		۹	۵	۰	زیاد	
۰/۵۲۶	-۰/۰۳۳	۲۹	۵۴	۹	پایین	سرمایه‌ی فرهنگی
		۷۱	۸۲	۳۰	متوسط	
		۱۱	۸	۴	بالا	
۰/۰۷۹	-۰/۱۰۰	۳۹	۳۶	۹	کم	گذران اوقات فراغت
		۵۹	۹۸	۲۶	متوسط	
		۱۳	۱۰	۸	زیاد	
۰/۰۰۰	-۰/۳۴۳	۵۲	۵۲	۱	کم	ارتباطات خانوادگی
		۵۶	۷۴	۲۰	متوسط	
		۳	۲۰	۲۲	زیاد	
۰/۰۰۰	-۰/۱۷۰	۱۲	۲۶	۹	کم	سنت گرایی
		۶۱	۸۶	۲۹	متوسط	
		۳۸	۳۲	۵	زیاد	
۰/۰۰۰	-۰/۴۴۳	۴۱	۲۷	۰	کم	پایبندی دینی
		۶۲	۵۹	۱۰	متوسط	
		۸	۶۰	۳۳	زیاد	

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهند که میان متغیرهای سن، مدگرایی، ارتباطات خانوادگی، سنت‌گرایی و پابندی دینی و شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. همچنین، میان متغیرهای استفاده از رسانه‌های ارتباطی، سرمایه‌ی فرهنگی و گذران اوقات فراغت و شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد.

۳-۵. آزمون فرضیات پژوهش

جدول ۴: نتایج آزمون‌های روابط میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته‌ی پژوهش («شکاف نسلی»)

متغیرها	میزان همبستگی پیرسون	سطح معناداری همبستگی	شدت رابطه	نتیجه‌ی نهایی آزمون	نوع رابطه در تحلیل مسیر
پابندی دینی	-۰/۵۹۱	۰/۰۰۰	قوی	رابطه‌ی معنادار و غیر مستقیم	رابطه‌ی مستقیم
مدگرایی	۰/۵۸۴	۰/۰۰۰	قوی	رابطه‌ی معنادار و مستقیم	رابطه‌ی مستقیم
ارتباطات خانوادگی	-۰/۵۰۸	۰/۰۰۰	متوسط	رابطه‌ی معنادار و غیر مستقیم	رابطه‌ی مستقیم
سن	۰/۳۱۷	۰/۰۰۰	متوسط	رابطه‌ی معنادار و غیر مستقیم	رابطه‌ی مستقیم
سنت‌گرایی	-۰/۲۸۴	۰/۰۰۰	قوی	رابطه‌ی معنادار و غیر مستقیم	رابطه‌ی مستقیم
سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۰۵۳	۰/۳۶۰	فاقد رابطه	عدم وجود رابطه	فاقد رابطه
استفاده از رسانه‌ها	۰/۰۴۲	۰/۴۷۳	فاقد رابطه	عدم وجود رابطه	فاقد رابطه
گذران اوقات فراغت	-۰/۰۳۱	۰/۵۹۷	فاقد رابطه	عدم وجود رابطه	فاقد رابطه

در این پژوهش برای آزمون فرضیات پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون و سطح معناداری آن استفاده شده است. به طور کلی، آزمون رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای پابندی دینی، ارتباطات خانوادگی، سنت‌گرایی، مدگرایی و سن، با شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار دارند. میان متغیرهای استفاده از رسانه‌های ارتباطی، سرمایه‌ی

فرهنگی و گذران اوقات فراغت و شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار وجود نداشته است. با توجه به علامت سطح معناداری رابطه‌ی بین متغیرها، ملاحظه می‌شود که رابطه‌ی میان متغیرهای مدگرایی و سن با شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار و مستقیم است: به موازات بالا رفتن مدگرایی و سن، میزان شکاف نسلی در بین جوانان افزایش پیدا می‌کند، و برعکس. از سوی دیگر، رابطه‌ی میان متغیرهای پایبندی دینی، ارتباطات خانوادگی و سنت‌گرایی و شکاف نسلی رابطه‌ای معنادار و معکوس است: به موازات بالا رفتن میزان پایبندی دینی، ارتباطات خانوادگی و سنت‌گرایی، میزان شکاف نسلی در بین جوانان کاهش پیدا می‌کند، و برعکس.

۴-۵. رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر

یکی از رایج‌ترین روش‌هایی که از طریق آن می‌توان میزان تأثیر خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را برآورد کرد روش رگرسیون^۱ است. این روش همچنین نشان می‌دهد که آیا میان خود متغیرهای مستقل همبستگی وجود دارد یا خیر (مولر و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۳۸-۲۹۹). علاوه بر این، از رگرسیون برای پیش‌بینی استفاده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۶۱). در این پژوهش پنج متغیر مستقل پژوهش (که همگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارای رابطه‌ی معنادار با متغیر وابسته‌ی پژوهش بودند) انتخاب شده و با استفاده از روش رگرسیون گام به گام^۲ چگونگی روابط میان آن‌ها و متغیر وابسته‌ی پژوهش و همچنین روابط میان خود متغیرهای مستقل پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است.

جدول ۵: عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی تأثیر متغیرهای مستقل بر «شکاف نسلی»

مراتب ورود متغیرها	متغیرهای وارد شده	R	R ^۲	R ^۲ تعدیل شده	اشتباه استاندارد
گام اول	پایبندی دینی	۰/۵۹۶	۰/۳۵۵	۰/۳۵۳	۰/۷۲۷
گام دوم	ارتباطات خانوادگی	۰/۶۸۷	۰/۴۷۲	۰/۴۶۸	۰/۶۵۹
گام سوم	مدگرایی	۰/۷۳۵	۰/۵۴۱	۰/۵۳۶	۰/۶۱۵
گام چهارم	سنت‌گرایی	۰/۷۵۸	۰/۵۷۵	۰/۵۹۶	۰/۵۹۳
گام پنجم	سن	۰/۷۶۳	۰/۵۸۰	۰/۵۷۳	۰/۵۹۰

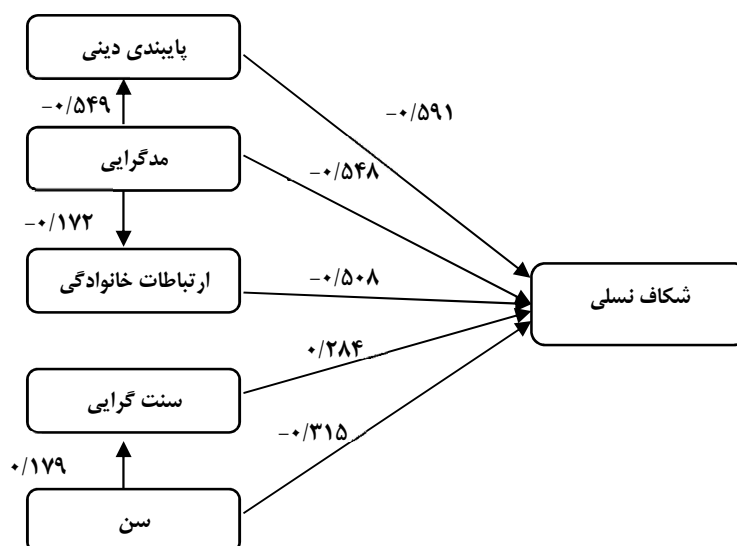
1- Regression
2- Stepwise

جدول ۵ نشان می‌دهد که از میان پنج متغیر مستقلی که دارای رابطه‌ی معنادار با متغیر وابسته‌ی پژوهش بوده‌اند، یعنی سن، ارتباطات خانوادگی، سنت‌گرایی، پایبندی دینی و مدگرایی هر پنج متغیر دارای ارتباط مستقیم با متغیر وابسته‌ی پژوهش هستند. بر اساس جدول مذکور ضریب همبستگی چندمتغیره (R) در گام پنجم ۰/۷۶۳ است. ضریب تعیین (R^2) به دست آمده در گام پنجم نیز نشان می‌دهد که پنج متغیر وارد شده به معادله در مجموع می‌توانند حدود ۰/۵۸۲ (۵۸/۲ درصد) از واریانس شکاف نسلی را پیش‌بینی یا تبیین کنند، که این رقم، رقم بسیار چشمگیری است. به بیان دیگر، بیش از نیمی از تغییرات شکاف نسلی در جامعه‌ی آماری پژوهش توسط این پنج متغیر تبیین شده و قابل پیش‌بینی است. R^2 به دست آمده در تمام گام‌های پنج‌گانه در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنادار بوده است. با توجه به R^2 به دست آمده در گام پنجم می‌توان گفت حدود ۰/۴۱۸ (۴۱/۸ درصد: $0/418 = 1 - 0/582$) از واریانس شکاف نسلی توسط پنج متغیر مذکور تبیین نشده است. در جدول شماره‌ی ۷ نیز سایر آماره‌ها برای متغیرهای درون معادله آورده شده‌اند. این آماره‌ها عبارت‌اند از: ضرایب رگرسیون (B) برای نشان دادن نمرات خام متغیرهای درون معادله، ضرایب استاندارد متغیرهای درون معادله (Beta) برای نشان دادن تأثیر خالص متغیرهای درون معادله بر متغیر وابسته و مقادیر آزمون «T» و «Sig.» برای نشان دادن معناداری ضرایب رگرسیون، ضرایب استاندارد، همبستگی نیمه جزئی و همبستگی جزئی. آزمون «T» نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون برای پنج متغیر مذکور در سطح حداقل ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۶: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی تأثیر متغیرهای مستقل بر «شکاف نسلی»

ردیف	نام متغیر	B	Beta	T	Sig. (T)
۱	پایبندی دینی	-۰/۳۴۷	-۰/۲۸۲	-۵/۸۹۱	۰/۰۰۰
۲	ارتباطات خانوادگی	-۰/۵۴۷	-۰/۳۱۹	-۷/۸۶۴	۰/۰۰۰
۳	مدگرایی	۰/۳۴۴	۰/۳۱۸	۷/۰۰۵	۰/۰۰۰
۴	سنت‌گرایی	۰/۳۷۵	۰/۱۷۶	۴/۵۰۱	۰/۰۰۰
۵	سن	۰/۰۱۷	۰/۰۸۱	۲/۰۱۸	۰/۰۴۵
آماره‌ها	Sig. = ۰/۰۰۰	$R^2 = ۰/۵۸۲$	$R = ۰/۷۶۳$		

بر اساس داده‌های جدول ۶، از میان پنج متغیر مستقل، همه‌ی متغیرها توانسته‌اند وارد معادله‌ی رگرسیونی شوند.



مدل مسیر: «نمودار تأثیر متغیرهای مستقل بر شکاف نسلی، به همراه ضرایب مسیر»

۶. نتیجه گیری

در این پژوهش رابطه‌ی بین مؤلفه‌های سبک زندگی و شکاف نسلی بررسی شده است. اساساً تنوع در سبک زندگی باعث بروز شکاف نسلی می‌شود. در واقع، سبک زندگی مفهوم بسیار گسترده‌ای است که در این پژوهش تنها برخی از ابعاد آن و رابطه‌ی آن‌ها با شکاف نسلی بررسی شد. امروزه، در تمامی نقاط جهان، حتی در شهرها و روستاهای کوچک و دورافتاده، عواملی همچون وسایل ارتباطات جمعی دست‌اندر کار تغییرات و تحولات فکری و فرهنگی گسترده در نسل‌های جدید، و به تبع آن بروز شکاف نسلی بین نسل‌های جدید و قدیم، هستند. در این پژوهش با مطالعه‌ی موردی جوانان شهر کاشان در صدد بودیم این موضوع را بررسی کنیم که در شهری که پایبندی به سنت‌ها، به ویژه سنت‌های دینی، جایگاه مهمی دارد، رابطه‌ی بین نسل‌ها چگونه است؟ و این که آیا در این شهر پدیده‌ی شکاف نسلی وجود دارد یا خیر؟ طبق نظر مانهایم، افرادی که در یک گروه نسلی زندگی می‌کنند، یعنی تقریباً در یک گروه سنی قرار دارند،

حوادث مشترکی را تجربه می‌کنند. علت چنین پدیده‌ای این است که آن‌ها در یک میدان و فضای اجتماعی مشترک زیست می‌کنند. میدان از نظر بوردیو فضایی است که در آن افراد دست به عمل می‌زنند. طبق نظر بوردیو، ذائقه‌های متفاوت، که در میدان‌های متفاوت شکل می‌گیرند، موجب می‌شود تا افراد دست به عمل‌های متفاوت بزنند. در واقع، گروه‌های نسلی با ذائقه‌های متفاوت در میدان اجتماعی دست به عمل و انتخاب سبک زندگی منحصر به فردی می‌زنند. افرادی که در گروه‌های نسلی متفاوت قرار دارند، هر کدام در فضایی کوچک، مثلاً خانواده، یا فضایی بزرگ‌تر، مثل جامعه، به ایفای نقش می‌پردازند و از آن‌جا که سبک زندگی با انتخاب شکل می‌گیرد و ذائقه مبنای آن است، گروه‌های نسلی ذائقه‌های متفاوتی دارند و این باعث می‌شود انتخاب‌های متفاوتی در زندگی صورت گیرد، و در نتیجه، به سبک زندگی متفاوت هم منجر شود. اگر جوانان و والدین، هر کدام، در فضای اجتماعی متفاوت زندگی کنند، تفاوت در سبک زندگی به وجود خواهد آمد و چنین پدیده‌ای معمولاً می‌تواند به شکاف نسلی بیانجامد.

به طور کلی، پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که در دنیای امروزی اختلاف‌های چشمگیری بین والدین و فرزندان وجود دارد. از آن‌جا که ذخیره‌ی دانش و معرفت، و همچنین تجارب بشری، از طریق تعامل‌های میان‌نسلی انتقال پیدا می‌کنند، فقدان یا ضعف چنین تعامل‌هایی می‌تواند زیان‌ها و آسیب‌های چشمگیری برای فرد، خانواده و جامعه در بر داشته باشد. داده‌های تجربی ما نشان دادند که متغیرهای پایبندی دینی، ارتباطات خانوادگی، سنت‌گرایی، مدگرایی و سن، با شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار دارند. این نتایج نشان دادند که رابطه‌ی میان متغیرهای مدگرایی و سن با شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار و مستقیم است؛ به بیان دیگر، به موازات بالا رفتن مدگرایی و سن، میزان شکاف نسلی در بین جوانان افزایش پیدا می‌کند، و برعکس. از سوی دیگر، رابطه‌ی میان متغیرهای پایبندی دینی، ارتباطات خانوادگی و سنت‌گرایی و شکاف نسلی رابطه‌ی معنادار و معکوس است؛ به بیان دیگر، به موازات بالا رفتن میزان پایبندی دینی، ارتباطات خانوادگی و سنت‌گرایی، میزان شکاف نسلی در بین جوانان کاهش پیدا می‌کند، و برعکس. تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که از میان پنج متغیر مستقلی که دارای رابطه‌ی معنادار با متغیر وابسته‌ی پژوهش بوده‌اند، یعنی سن، ارتباطات

خانوادگی، سنت گرایی، پابندی دینی و مدگرایی، هر پنج متغیر دارای ارتباط مستقیم با متغیر وابسته پژوهش هستند. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی، متغیرهای مذکور در مجموع می‌توانند حدود ۵۸ درصد از واریانس شکاف نسلی را پیش‌بینی یا تبیین کنند، که این رقم، رقم قابل توجهی است. از این رو، در بحث از عوامل اجتماعی مؤثر بر بروز شکاف نسلی در جامعه و راهکارهای رویارویی با آن، پژوهشگران و کارگزاران اجتماعی باید توجه خاصی به چنین متغیرهایی داشته باشند. همچنین نتایج پژوهش حاضر مؤید نتایج تحقیقات (معید فر ۱۳۸۳، فاضلی ۱۳۸۵، قریشی محمدی ۱۳۸۸، گلند ۱۹۹۴) می‌باشد. نتایج تحقیق معیدفر نشان داد که در هر سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، نه تنها تفاوت زیادی در میان جوانان و بزرگسالان دیده می‌شود، بلکه این تفاوت در طی زمان بیش‌تر نیز شده است (معیدفر، ۱۳۸۳: ۸۰-۵۵). همچنین نتایج تحقیق قریشی محمدی نشان می‌دهد که در زمینه ارزش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، شناخت والدین و فرزندان با یکدیگر متفاوت است (قریشی محمدی، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۴۱). علاوه بر آن، گلند بر اساس نتایج پژوهشی در مطالعه‌ی سه نسل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، پدرها و مادرها و فرزندان‌شان نتیجه گرفته است که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و والدینی که سنین آن‌ها بین ۶۵ تا ۹۰ سال و ۴۰ تا ۶۰ سال است، اشتراک فرهنگی بیش‌تری باهم نسبت به هر کدام از آن‌ها با نسل جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال دارند (گلند، ۱۹۹۴).

فهرست منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۳)، رابطه‌ی بین نسلی در خانواده‌ی ایرانی، فصلنامه‌ی مسائل اجتماعی ایران، تهران: نشر آگه، با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۲. آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۶)، فرایند تغییر نسلی. بررسی فراتحلیل در ایران، فصلنامه‌ی جوانان و مناسبات نسلی، شماره‌ی اول، صص ۶۸-۴۱.
۳. ابادری، یوسف؛ حسن چاوشیان، (۱۳۸۱)، از طبقه‌ی اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۰، صص ۲۷-۳.
۴. الفت، سعیده؛ آزاده سالمی، (۱۳۹۱). مفهوم سبک زندگی. فصلنامه‌ی مطالعات سبک زندگی. سال اول. شماره‌ی ۱. صص ۳۶-۹.
۵. بابایی فرد، اسداله، (۱۳۹۲)، بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران؛ رویکردی تاریخی تجربی، تهران: نشر انتشارات چاپخش.
۶. بابایی فرد، اسداله، (۱۳۸۹)، توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی اجتماعی در ایران، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۳۷، سال دهم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۵۶-۷.
۷. بوردیو، پیر، (۱۳۸۰)، نظریه‌ی کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه‌ی مرتضی مردیها، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
۸. بوردیو، پیر. (۱۳۸۱)، نظریه‌ی کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه‌ی مرتضی مردیها، چاپ دوم، تهران: انتشارات نقش و نگار.
۹. توکل، محمد؛ مریم قاضی نژاد، (۱۳۸۵)، شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۷، صص ۱۲۴-۹۵.
۱۰. چیت‌ساز قمی، محمد جواد، (۱۳۸۲)، گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت؛ در نگاهی به پدیده‌ی گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۱. چیت‌ساز قمی، محمد جواد، (۱۳۸۶)، بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی، فصلنامه‌ی جوانان و مناسبات نسلی، شماره‌ی اول، صص ۱۱۲-۸۵.
۱۲. خادمیان، طلیعه، (۱۳۸۶)، سبک زندگی و مصرف فرهنگی؛ مطالعه‌ای در حوزه‌ی جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی ایرانیان، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی

فرهنگی - هنری جهان کتاب.

۱۳. رستمی، احسان؛ مرجان اردشیرزاده. (۱۳۹۲). نگاهی به نظریه‌های سبک زندگی، فصلنامه‌ی مطالعات سبک زندگی، سال دوم، شماره‌ی ۳، صص ۳۱-۹.
۱۴. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ روش‌های کمی: آمار پیشرفته، جلد سوم، تهران: نشر دیدار.
۱۵. عبدی، عباس؛ محسن گودرزی، (۱۳۷۸)، تحولات فرهنگی در ایران. تهران: انتشارات روش.
۱۶. فاضلی، نعمت‌اله، (۱۳۸۵)، جوانان و انقلاب در سبک زندگی، مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی. دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۴، صص ۳۱-۲۲.
۱۷. قریشی محمدی، عاطفه سادات، (۱۳۸۸)، بررسی مسأله‌ی شکاف نسلی در خانواده‌های ایرانی با توجه به پیمایش صورت گرفته در گرگان، مجله‌ی پژوهشنامه، شماره‌ی ۴۵، صص ۱۷۱-۱۴۱.
۱۸. کاظمی‌پور، عبدالمحمد، (۱۳۸۷)، نسل ایکس: بررسی جامعه‌شناختی نسل جوان ایرانی، تهران: نشر نی.
۱۹. کوزر، لیوئیس، (۱۳۷۹)، زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۰. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخص در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۲۱. مانهایم، کارل، (۱۳۸۰)، ایدئولوژی و اتوبیو: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها («سمت»).
۲۲. معیدفر، سعید، (۱۳۸۳)، شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۴، صص ۸۰-۵۵.
۲۳. موسوی میرکلای، سید علی، (۱۳۹۱)، خانواده، شکاف نسلی و رسانه‌ها، فصل‌نامه‌ی رسانه و خانواده، سال اول، شماره‌ی ۴، صص ۵۲-۷.
۲۴. مولر، جان هنری و دیگران، (۱۳۷۸)، استدلال آماری در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
۲۵. مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۶. یوسفی، نریمان، (۱۳۸۳)، شکاف بین نسل‌ها، بررسی مفاهیم، ادبیات و چارچوب نظری:

بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

27. Bourdieu, Pierre. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Translated by Richard Nice. New York: Routledge & Kegan Paul.
28. Bourdieu, Pierre. (1993). *The Field of Cultural Production*. New York: Polity Press.
29. Bourdieu, Pierre; Loic Wacquant. (2002). *An Invitation to Reflexive Sociology*. New York: Polity Press.
30. Jenkins, Richard. (2002). *Pierre Bourdieu*. London & New York: Routledge.
31. Leslie, G. R; R. F. Larson; B. L.Gorman. (1994). *Introductory Sociology*. London: Oxford University Press.
32. McKee, J. B. (1969). *Introduction to Sociology*, New York: Holt Rinehart & Winston Inc.
33. Rampel, F. Warren. (1965). *The Role of Value in Karl Mannheimi's Sociology of Knowledge*. London: The Hague & London Mounon Publishers.
34. Rapoport, R; R. N. Rapoport. (1975). *Leisure and the Family Life Cycle*. London & New York: Routledge.
35. Robinson, J. P; G. Godbey. (1997). *Time for Life: The Surprising Ways Americans use their Time*. Pennsylvania: Park University and Pennsylvania State University Press.
36. Swartz, David. (1997). *Culture and Power: The Sociology of Pierre Bourdieu*. Chicogo: The University of Chicogo Press.